

## تحلیل الگوی ابراهیمی پدر و فرزند در دعوت به باورها و فرمان‌های دینی\*

محمد سلطانی‌رنانی<sup>۱</sup>

### چکیده

حضرت ابراهیم (ع) الگوی مؤمنان است. رفتار و گفتار آن پیامبر بزرگ با پدرخوانده‌اش، آزر و چگونگی دعوت وی به خداپرستی و منع وی از بت‌پرستی و همچنین، با فرزندانش، بهترین نمونه برای رفتار پدر-فرزندی بویژه، در عرصه دعوت به باورها و احکام دینی است. با بررسی آیات مربوطه، نه ویژگی در ارتباط حضرت ابراهیم با آزر می‌یابیم: تأکید بر عاطفه خویشاوندی، طرح پرسش و دعوت به بازنگری، دعوت به اندیشه و دانش، بازگشت به فطرت پیراسته، حکم عقل به لزوم دفع ضرر محتمل و معرفی خداوند به صفات مهربانی و پروردگاری، پاسخ ابراهیم به تهدید و نامهربانی: درود، کناره‌گیری و وعده آمرزش خواهی. این ویژگی‌ها الگویی را ترسیم می‌کنند که مبتنی بر تأکید بر روابط خانوادگی در مسیر خیرخواهی، و دعوت خرده‌محور و تدریجی به باورهای دینی است. آیات قرآنی ویژگی‌هایی را نیز در رفتار و گفتار و منش ابراهیم با فرزندان و دودمانش آشکار می‌کند. محور این ویژگی‌ها، حرمت نهادن به شخصیت مستقل و اختیار فرزند و همراهی همیشگی ابراهیم با فرزند است که در جلوه‌هایی همچون مشورت با فرزند، مشارکت در تجربه‌ها، دعا و درخواست خیر مستمر و مداوم برای فرزندان آشکار می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حضرت ابراهیم، رابطه پدر-فرزندی، دعوت به دین، ذبح اسماعیل.

\* تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ (مقاله پژوهشی)

۱. استادیار دانشگاه اصفهان/ m.soltani.r@ltr.ui.ac.ir

## ۱- طرح مسأله

حضرت ابراهیم(ع)، پایه‌گذار توحید و بنیان‌گذار خانه یکتاپرستی است. قرآن کریم، ابراهیم را اسوه مؤمنان می‌شمارد (ممتحنه: ۴/۶۰) و پیامبر اکرم(ص) را به پیروی از ابراهیم و آیین ابراهیمی فرا می‌خواند (نحل: ۱۶/۱۲۳). در میان پیامبران تنها حضرت ابراهیم(ع) است که گفتار و رفتار وی با پدر [خوانده] و فرزندان، به ویژه، در بیان باورها و احکام دینی، در قرآن کریم حکایت شده است. بر این اساس، رسالت این نوشتار، پاسخ به این پرسش است که الگوی ابراهیمی دعوت به دین در رابطه پدر - فرزندی چه مؤلفه‌هایی دارد؟

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن روست که همواره چنین پنداشته می‌شود که فرزند در برابر پدر باید پیرو و فرمان‌بردار باشد. پدر همیشه درستکار و فرزند همواره خطاکار است. همچنین، تصور می‌شود که پدر حق دارد فرزند خویش را به قهر و غلبه و اجبار بدانچه حق می‌داند، وادارد. بررسی رفتار و گفتار و منش حضرت ابراهیم(ع) در مقام فرزند در برابر آزر و نیز، در مقام پدر و در همراهی با اسماعیل، هر دو پندار را از میان می‌برد و نمونه‌ای راستین و استوار در روابط پدر-فرزندی، به ویژه در حوزه دعوت دینی آشکار می‌سازد. تبیین این اسوه می‌تواند بخشی از سبک زندگی اسلامی را آشکار سازد که از یک سو، روابط پدران و فرزندان، و از سوی دیگر، چگونگی دعوت به باورها و احکام دینی را بیان می‌کند.

تعامل والدین-فرزندان از مهم‌ترین روابط اثرگذار در زندگی فردی و اجتماعی است. مرور شواهد تجربی مختلف نشان می‌دهد که در قلمرو مطالعاتی روان‌شناسی خانواده، در بین نمونه‌های فرهنگی مختلف، مفهوم تعامل والد - فرزند، یکی از مهمترین مفاهیم مورد علاقه پژوهشگران قلمداد می‌شود (ر.ک. کاکابرایی و مرادی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۶).

به علاوه، موضوع تربیت دینی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و پژوهندگان حوزه تربیت و تعلیم قرار گرفته است. برخی مانند پُل هیرست، جامعه‌شناس انگلیسی (۲۰۰۳م)، معتقد است تربیت دینی با چالش تکثر دینی-مذهبی روبروست و تنها به روش تلقینی امکان‌پذیر است (ر.ک. داوودی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۷). بررسی شیوه برخورد حضرت ابراهیم(ع) با فرزندانش خویش می‌تواند این سخن را چنین پاسخ دهد: تربیت دینی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و اصول مشترک ادیان و مذاهب انجام‌شدنی و پذیرفتنی است و منحصر به روش تلقینی نیز نخواهد بود.

## ۲- پیشینه پژوهش

در قرآن کریم، بیش از صد آیه درباره گفتار و رفتار حضرت ابراهیم(ع) سخن به میان آمده است که برخی از آنان به شیوه برخورد وی با آزر (در جایگاه پدر) و با اسماعیل و اسحاق (در جایگاه فرزند) پرداخته است. بر پایه این آیات، تک‌نگاری‌هایی درباره سیره عملی حضرت ابراهیم(ع) تدوین و انتشار یافته است، برخی از آنها از این قرارند:

- حسن پور، زهرا (۱۳۹۲ش)؛ «بررسی روش‌های تربیت اخلاقی در سیره حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم»؛ دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم. در این نوشتار، روش‌های ایجابی، اصلاحی، تثبیتی و تقویتی حضرت ابراهیم (ع) در تربیت اخلاقی انسان بررسی شده است.
- شکر بیگی، نرگس (۱۳۹۵ش)؛ «رفتارشناسی فرهنگی با رویکردی بر سیره حضرت ابراهیم»؛ مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام. در این پژوهش، رفتار و برخورد آن بزرگوار با مردم و حاکمان هم‌عصر خویش و شیوه رفتار این پیامبر الهی از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.
- رضایی، محمد هاشم (۱۳۹۴ش)؛ «نکات تربیتی در داستان حضرت ابراهیم در قرآن (با تأکید بر استلزامات تربیتی آن در آموزش باز و از دور)»؛ دانشگاه پیام نور استان مرکزی. این اثر اسلوب‌های نظری مانند موعظه و نرم‌خویی و روش‌های کاربردی مثل اسوه بودن و هجرت در داستان حضرت ابراهیم (ع) را بررسی کرده است.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله و پاتیار، عزت‌الله (۱۳۹۳ش)؛ «هدف‌شناسی اقتناع در تربیت با تأکید بر داستان حضرت ابراهیم (ع) در قرآن»؛ معارف قرآنی، شماره ۱۹. نویسندگان، شیوه اقتناعی آن حضرت را در جهت هدایت مردم تبیین کرده‌اند.
- سیدرضا، ملیحه سادات (۱۳۸۱ش)؛ «تأملی در شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر و مواعظ هدایتی حضرت ابراهیم»؛ معرفت، شماره ۵۹.

### ۳- مفهوم‌شناسی واژگان «أَسْوَةٌ»، «إِتِّبَاعٌ» و «مِلَّةٌ»

- درباره منش حضرت ابراهیم (ع) در آیات قرآن، سه واژه «أَسْوَةٌ»، «إِتِّبَاعٌ (إِتِّبَعُ، فَاتَّبِعُوا)»، «مِلَّةٌ» به کار رفته است. تحلیل این واژگان راه را برای تبیین الگوی ابراهیمی پدر- فرزند در دعوت به باورها و فرمان‌های دینی می‌گشاید.
- قرآن کریم در آیات چهارم و ششم سوره ممتحنه، حضرت ابراهیم (ع) را «اسوه حسنه» برای مؤمنان معرفی می‌کند. فراهیدی در بیان معنای «اسوه» می‌نویسد: گویند آن قوم در این کار اسوه هستند، یعنی حال آنان در این کار یکسان است، «يَتَأَسَى» نیز بدان معناست که آنچه را پیشوا می‌پسندند، پیرو نیز برای خود می‌پسندند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۳۳). زمخشری می‌نویسد: اسوه نام کسی است که از او پیروی شده است، بدان معنا که وی روش نیکی داشته که از او دنباله‌روی شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۱۳).
- آنچه که می‌توان به عنوان جانشین واژه «اسوه» در کاربرد قرآنی معرفی کرد، تعبیر «إِتِّبَاعٌ مِلَّةً» است. ماده «تبع» به معنای پیروی است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۸). ابن فارس بر این معنا تأکید می‌کند که واژگان برآمده از ماده «تبع» تنها بر یک معنا دلالت دارد: پشت سر کسی رفتن (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۶۲). این ماده چون به باب افتعال رود بر آن دلالت دارد که پیروی با دشواری، پیگیری و پایداری انجام گرفته است چنانکه همین سخن در باب کسب و اکتساب آمده است (ابن هشام، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۱۱۹). در سه آیه این ماده در باب افتعال درباره حضرت ابراهیم (ع) به کار رفته است: ﴿فَاتَّبِعُوا مِلَّةً

﴿إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ (آل عمران: ۹۵/۳). ﴿وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ (نساء: ۱۲۵/۴). ﴿أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ (نحل: ۱۲۳/۱۶).

واژه «مِلَّة» از ماده «مَلَل» است. به راهی که مسیر عمومی می‌باشد و بر اثر کثرت مسافران مشخص شده است، «طریق مُمَلَّل» گویند و بدین مناسبت، آن راهی را که پیامبران به مردمان نشان دادند، «مِلَّة» گویند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۲۴).

به گفته راغب، واژه مِلَّت با اِملاء هم‌ریشه بوده و به معنی نوشتن سخن دیگری است. بنابراین، دین پیامبران را مِلَّت می‌نامند؛ زیرا بر پایه نوشتن سخنان خداوند و پیامبرش شکل می‌گیرد (راغب، ۱۳۹۲، ص ۷۷۳).

با توجه به دو تعبیر اسوه قراردادن و اِتِّبَاع از مِلَّت ابراهیم، خداوند راه، روش و منش حضرت ابراهیم (ع) را برای همه مؤمنان و حتی پیامبر اکرم (ص)، نمونه، سرمشق و الگو معرفی کرده و همه را به پیروی از او و آیینش فرمان داده است.

#### ۴- الگوی رفتاری و سبک زندگی

امروزه اصطلاح سبک زندگی (Lifestyle) در محیط اندیشه‌ورزی و گفتگوهای فرهنگی رواج یافته است. سبک زندگی، شیوه‌ای از زندگی شامل رفتارها، واکنش‌ها، برنامه‌ها و آرزوهاست که بر پایه باورها و دانسته‌هایی استوار است. به عنوان نمونه، اعتقاد به این مطلب که سرمایه و پول برترین ارزش در زندگی آدمی است که همه نیازها و خواسته‌های وی را پاسخگو است، موجب می‌شود که آدمی برای دستیابی به سرمایه مالی بیشتر بیندیشد، برنامه‌ریزی کند، برگزیند، بکوشد و زندگی خویش را بر این محور شکل دهد. کلیت فراهم‌آمده از آن باور و کردارها و منش‌های برآمده از آن، سبک زندگی سرمایه‌داری است. چنانکه اعتقاد به خداوند دانای توانا، در سرتاسر کردار و گفتار و رفتار ما تأثیر می‌نهد و سبک زندگی مؤمنانه را پدید می‌آورد.

سبک زندگی که در فرهنگ اسلامی «سیره» نام دارد (ر.ک. بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰)، در دو مرحله نظری و عملی قابل بررسی است. مرحله نخست، شامل دانسته‌ها و باورهای نظری است که آدمی به دنبال دانش، تجربه و البته، تقلید از پیشینیان به دست می‌آورد و می‌اندوزد؛ مرحله دوم، روش عملی و شیوه کاربست آن دانسته‌ها و باورها در رفتار و کردار آدمی است.

منابع مکتوب و فرهنگ رایج جامعه، بخش نخست را پشتیبانی می‌کند و هر نسل با دریافت آموزه‌ها و پذیرش باورها، آنچه را که پیشینیان می‌دانستند و باور داشتند، در گنجینه درونی خویش می‌اندوزد و در طول زندگی خویش، در پی روبرو شدن با موقعیت‌های گوناگون، تجربه‌های نوینی به دست می‌آورد که برگستره دانش و بینش وی می‌افزاید؛ ولی در گام دوم، به هنگام کاربست آموخته‌ها و باورها، در میدان عمل، مهم‌ترین عاملی که می‌تواند آدمی را یاری کند و آموخته و باور را اجرایی کند، یک نمونه و الگو است. بنابراین، شناخت دقیق الگو و ویژگی‌های آن، راه را برای عملی کردن سبک زندگی مطلوب هموار می‌کند.

پیگیری و دریافت ویژگی‌های رفتاری حضرت ابراهیم(ع) در دعوت به دین، در جایگاه پدر یا فرزند، همه پدران و فرزندان را یاری می‌کند که الگوی مناسب و کاملی در این جهت به دست آورند و با کاربست این ویژگی‌های عملی به سبک زندگی مطلوب دینی نزدیک‌تر شوند.

### ۵- ابراهیم در مقام فرزند

قرآن کریم در هشت مورد<sup>۱</sup> گفتگوی میان حضرت ابراهیم و پدرش را گزارش می‌دهد. در سوره انعام، این «پدر» را نام می‌برد: «آزر». عالمان شیعه همواره بر این تأکید داشته‌اند که آزر پدر حضرت ابراهیم(ع) نبوده است. شیخ طوسی می‌نویسد: آزر، پدر بزرگ مادری ابراهیم بوده است؛ زیرا پدران پیامبر اکرم(ص) تا آدم همگی مسلمان بوده‌اند و جز خدا را نپرستیده‌اند. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «همواره خداوند مرا از پدرانی پاک به مادرانی پاک انتقال می‌داد و کافر به پاک‌ی توصیف نمی‌شود؛ زیرا خداوند می‌فرماید: همانا مشرکان پلیدند» (طوسی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۲۷). طباطبایی بر این معنا دلیلی اقامه می‌کند که پس از این خواهد آمد. به هر روی، همگان بر این مطلب اتفاق نظر دارند که ابراهیم در خانه آزر رشد کرده و آزر برای وی همانند پدر بوده است. از این‌رو، چه در بیان قرآنی و چه در سخنان ابراهیم، آزر «آب» نام گرفته است. از مجموع آیات به دست می‌آید که رفتار و گفتار حضرت ابراهیم(ع) در مقام فرزند و در گفتگو و تعامل با آن کس که در جایگاه پدر وی قرار دارد، نه ویژگی را در بردارد. این ویژگی‌ها را می‌توان ترسیم‌کننده الگوی ابراهیمی در رفتار فرزند با پدر دانست.

### ۵-۱- تأکید بر رابطه پدر-فرزندی

گسترده‌ترین و جامع‌ترین گزارش از گفتگوی حضرت ابراهیم(ع) و آزر در آیات ۴۸-۴۱ سوره مریم آمده است. در این آیات، حضرت ابراهیم تنها با آزر روی سخن دارد و چهاربار وی را با لفظ «آبَت» خطاب کرده است. اصل خطاب و تکرار بدان جهت است که همواره ابراهیم خواسته که توجه و تمرکز ذهنی آزر را چندین بار برانگیزد (ر.ک. ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۶، ص ۱۱۴). حضرت ابراهیم آزر را به نام یا ضمیر خطاب نمی‌کند، بلکه همواره وی را «آبَت» [پدرم] خطاب می‌کند. بی‌گمان اینگونه خطاب تأکید بر رابطه خویشاوندی است تا عاطفه وی را برانگیزد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۸۸). «آبَت» در اصل «آبی» بوده است که (یاء) متکلم حذف شده و به جای آن کسره نشسته است. حرف (تاء) نیز، بر رابطه پدر-فرزندی تأکید دارد (نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۱).

قرآن کریم اینگونه خطاب را از سوی یوسف به پدرش (یوسف: ۱۲/۴ و ۱۰۰)، دختر شعیب به پدرش (قصص: ۲۸/۲۶) و اسماعیل به پدرش (صافات: ۳۷/۱۰۲) نقل کرده است. حکایت این سخنان بر این نکته دلالت دارد که خداوند، خطاب بر پایه رابطه خویشاوندی میان پدر و فرزند را می‌پسندد و تأیید

۱. مریم: ۸-۴۱؛ انعام: ۷۴/۶؛ شعراء: ۸۳-۶۹؛ توبه: ۹/۵-۱۱۳؛ انبیاء: ۲۱/۷-۵۱؛ صافات: ۳۷/۹-۸۵؛ زخرف: ۴۳/۷-۲۶، ممتحنه: ۴/۶۰.

می‌کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «حق پدر بر فرزندش آن است که وی را به روش ابراهیم نام ببرد، گوید: ای پدرم، و نامش را نبرد» (هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۴۷۳).

### ۵-۲- طرح پرسش

حضرت ابراهیم گفتگوی خویش با آزر را با پرسش آغاز می‌کند. در گزارش سوره مریم چنین آمده است: ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا﴾ (مریم: ۱۹/۴۲): «آنگاه که به پدرش گفت: ای پدرم، چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و از تو چیزی را دور نمی‌کند، می‌پرستی». در گزارش سوره انعام، پرسش آغازین چنین است: ﴿أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً﴾ (انعام: ۶/۷۴): «آیا بتان را خدایان [خود] می‌گیری؟». در سوره انبیاء چنین آمده است: ﴿مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾ (انبیاء: ۲۱/۵۲): «این مجسمه‌هایی که شما ملازم آنها شده‌اید چیستند؟» و در سوره شعراء آمده است: ﴿هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ﴾ (انعام: ۲۶/۷۲ و ۳): «آیا وقتی دعا می‌کنید، از شما می‌شنوند؟ یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟».

پرسش نخستین گام در مسیر اندیشه و تحقیق و بازنگری است. مردود دانستن اندیشه یا کردار مخاطب در نخستین سخن، مقاومت وی را برمی‌انگیزد و به جای آنکه وی را به سعادت و نیکی و راستی سوق دهد، او را به گمراهی و عناد و سرسختی گرایش می‌دهد. این پرسش‌ها سرنخ‌های تردید در راه و روش پیشین مخاطب را نیز در بردارد. در متن پرسش توصیف‌هایی برای تندیس‌ها بیان شده است که شایستگی آنها را برای پرستش مردود می‌شمرد.

### ۵-۳- آگاهی بر پایه دانش

پس از طرح پرسش، حضرت ابراهیم (ع)، آزر را خبر می‌دهد که بر دانشی دست یافته است: ﴿إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا﴾ (مریم: ۱۹/۴۳): «بی‌گمان مرا دانشی فرا آمده که تو را نیامده است. پس، از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم». حضرت ابراهیم دوباره آزر را با نرم‌خویی و لطف به حق فرا می‌خواند. وی را به نادانی توصیف نمی‌کند و خود را به دانش برتر و فراگیر نمی‌شناسد؛ بلکه گوید: من بخشی از دانش دارم که تو در برنداری؛ دانشی که به راه استوار رهنمون شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۸۸).

این خطاب بر دو مطلب دلالت دارد؛ دعوت ابراهیم بر پایه علم استوار است و نه ظن و تردید و احساس و تخیل؛ ابراهیم دانش مطلق و مطلق دانش را ادعا نمی‌کند؛ بلکه با بهره بردن از «من» تبعیضی، بیان می‌کند که بخشی از دانش را داراست. اینگونه سخن میانه دو لغزشگاه است؛ از یک سو، باور و سخنی که پایه علمی ندارد و از سوی، ادعای دانشمندی تکبرآمیز.

ابن‌عاشور این سخن حضرت ابراهیم را اشاره به امری فطری می‌داند که همواره آدمیان به سرشت پیراسته خویش از آن کس که دانش و شناخت دارد، پیروی می‌کنند تا سود بیشتری و زیان کمتری دریابند (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۶، ص ۱۱۵).

#### ۵-۴- توجه به فطرت

پس از طرح پرسش و دانش‌محوری، ابراهیم سخن خویش را بر امری نهادین پایه می‌نهد: «سرشت نخستین». آدمی، هرچند به نام و نشان، خداوند و شیطان را نشناسد، ولی به فطرت خویش از بدی و زشتی دوری می‌کند. بنابراین، از بدنهاد و زشت‌سرشت نیز بیزار است. از این رو، حضرت ابراهیم بنا بر گزارش سوره مریم، در سومین خطاب خویش به آزر، وی را نسبت به بندگی شیطان هشدار می‌دهد: ﴿لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا﴾ (مریم: ۱۹/۴۴): «شیطان را بندگی مکن که شیطان همواره در برابر [خداوند] مهرگستر نافرمان است».

آنچه در این آیه مورد توجه است، تقابل شیطان و رحمان است. بدنهاد زشت‌سرشت همواره مهرگستر را نافرمانی می‌کند. در این خطاب برای اولین بار، ابراهیم (ع) از خداوند سخن می‌گوید و او را به نام «الرحمان» می‌شناساند. رحمان، ساخت مبالغه است و بر گستردگی و فراگیری مهربانی دلالت دارد (ر.ک. طوسی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۸). نخستین گام در شناخت خداوند، شناخت مهربانی گسترده اوست که همگان را در برگرفته است. شناخت اینگونه مهربانی، به ضمیمه وجوب عقلی شکر منعم، وجوب معرفت منعم را نتیجه می‌بخشد که اساس توجه و شناخت و بندگی خداوند است. بنابراین، حضرت ابراهیم (ع) در سومین خطاب خویش بر دو امر فطری تأکید می‌کند:

الف) دوری و بیزاری از زشتی و زشت‌کار (بر پایه کاربست دو واژه شیطان و عَصِيٍّ)؛ ب) لزوم شناخت نعمت‌دهنده و سپاس‌گزاری از وی (بر پایه کاربست واژه الرحمن و ملازمه رحمت و نعمت به انضمام وجوب عقلی معرفت و شکر منعم).

#### ۵-۵- لزوم دفع ضرر محتمل

حضرت ابراهیم (ع) در چهارمین و آخرین خطاب به برهان عقلی تمسک می‌جوید. بی‌شک، خرد همه خردمندان بر این مطلب اتفاق دارد که از خطر و ضرر محتمل باید دوری کرد و تمهیدی اندیشید که بدان دچار نشد. حضرت ابراهیم (ع)، آزر را این چنین از پیروی از شیطان و عذاب خداوند بیم می‌دهد: ﴿إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾ (مریم: ۱۹/۴۵): «من می‌ترسم که از سوی [خداوند] مهرگستر عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی».

ابراهیم در این سخن، سه ادب را نسبت به آزر رعایت می‌کند: اولاً، عذاب شدن وی را قطعی ندانسته؛ بلکه عذاب را محتمل شمرده است و به حکم عقل، بیم از خطر در احتراز از آن کافی است؛ ثانیاً، در همین احتمال نیز، عذاب همه‌جانبه و در برگیرنده را در نظر نداشته؛ بلکه با استفاده از تعبیر «مَسَّ»، عذاب احتمالی را در آن حد دانسته که آزر را لمس کند؛ ثالثاً، حضرت ابراهیم (ع) این عذاب احتمالی فرارسنده را به صورت نکره بیان می‌کند. عذاب قطعی و شناخته‌شده نیست و این ناشناخته بودنش، زمینه را برای بیم و امید باقی می‌گذارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۸۸).

هرچند حضرت ابراهیم(ع) در این خطاب آزر را از عذاب خداوند بیم داده، ولی شگفت آنکه عذاب را به «الرحمن» نسبت داده است. چنین تعبیری در قرآن کریم، نمونه ندارد. در نخستین نگاه شاید به نظر برسد که «عذاب» با «رحمان» مناسبت ندارد. در آن جایگاه که آدمی عذاب می‌شود، سفره رحمت فراگیر برچیده شده است؛ پس چرا در این آیه، حضرت ابراهیم عذاب را به «رحمان» نسبت می‌دهد؟ سه پاسخ برای این پرسش می‌توان یافت:

- آیاتی که کفر یا شرک را همنشین نام «الرحمن» قرار داده‌اند (رعد: ۱۳/۳۰؛ زخرف: ۲۰/۴۳) دلیل بر آن است که «الرحمن» صفت نیست، بلکه همچون «الله»، اسم علم برای خداوند است. بنابراین، الزاماً بر رحمت دلالت نمی‌کند، بلکه بر ذات خداوند دلالت دارد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۷۶).

- رحمانیت خداوند هم عذاب و هم رحمت خاص (رحیمیت) را در برمی‌گیرد (گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۷). عذاب گناهکار در جهت پیراستن و آمرزش وی صورت می‌گیرد، پس عذاب نیز از مصادیق رحمت گسترده خداوند خواهد بود.

- هرچند رحمت خداوند گسترده و فراگیر است، ولی بندگی و پیروی شیطان چنان گناه بزرگی است که بنده را از سایه‌سار مهربانی خداوند خارج می‌سازد و وی را مستحق عذاب می‌نماید (قونوی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹). خداوند نه در ذات و نه در صفات، پیرو و متأثر از آفریدگان نیست. پس خداوند همواره رحمان است و این فعل بنده است که شایستگی دریافت رحمت عام خداوند را در وی از میان می‌برد.

## ۵-۶-سلام در برابر تهدید

سخنان آزر در برابر چهار خطاب ابراهیم(ع) چنین آمده است: ﴿أَرَاغِبُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا﴾ (مریم: ۴۶/۱۹): «آیا تو از خدایان من متنفری؟ اگر باز نایستی تو را سنگسار خواهم کرد و برای مدتی طولانی از من دور شو». این سخن چهار فراز دارد:

الف) جمله‌ای استفهامی: آیا تو از خدایگان من رویگردانی؟ این استفهام بر انکار و تردید نیز دلالت دارد. آزر چنان بر باور بت‌پرستی خویش استوار است که بعید می‌داند کسی از بت‌های وی رویگردان شود؛ ب) خطاب. آزر در مخاطب قرار دادن ابراهیم دگرگونه عمل کرده است، خطاب در آغاز سخن نیست، بلکه در میانه جمله است و خطاب به نام ابراهیم است و نه نسبت خویشاوندی؛ ج) جمله‌ای شرطی همراه با تأکید: اگر [از این گفتار] دست نکشی، بی‌گمان، سنگسارت می‌کنم؛ د) طرد: «مدت‌زمانی از من دور شو».

آزر سخن حضرت ابراهیم(ع) را که بر پایه رابطه خویشاوندی، پرسش، فطرت و عقل بنا نهاده بود، با انکار و تردید، خطابی خالی از خویشاوندی و تهدید و قطع رابطه پاسخ می‌دهد. حضرت ابراهیم(ع) در برابر تهدید به سنگسار، بر آزر درود می‌فرستد: ﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ﴾ (مریم: ۴۷/۱۹). و اینگونه درود بر رعایت ادب در گفتار، تداوم فضای صلح و سلامت و پایانی مسالمت‌آمیز برای گفتگو دلالت دارد.

این گفتار و رفتار حضرت ابراهیم(ع) در برابر تهدید و طرد آزر را می‌توان از دیدگاهی دیگر نیز مورد بررسی قرار داد. آزر از سرِ خشم سخن می‌گوید. خشم، هیجانی مخرب است که به پرخاشگری



می‌انجامد. فرد خشمگین نمی‌تواند به واکنش‌های مختلف و راهبردهای جایگزین فکر کند (ر.ک. شکوهی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۶). خشم زمینه اندیشه، گفتگو و سازگاری را از میان می‌برد. از این رو، آزر خشمگینانه توبیخ، تهدید و اعلام قطع رابطه می‌کند؛ ولی ابراهیم (ع) خوددارانه به خیرخواهی و مهرورزی سخن می‌گوید.

## ۵-۷- تداوم خیرخواهی

ابراهیم پس از سلام و سلامت خواهی، آزر را چنین وعده می‌دهد: ﴿سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي﴾ (مریم: ۱۹/ ۴۷): «به‌زودی برای تو از پروردگام آمرزش می‌طلبم». ابراهیم در همین وعده خیر نیز بر باور خداپرستی تأکید می‌کند و پروردگار خویش را در نظر دارد و راه و روش آزر را نادرست می‌شمرد. در واقع، ابراهیم در کمال عطف و خیرخواهی نسبت به آزر، از باور توحیدی خویش تنزل نمی‌کند؛ بلکه چون از آزر پاسخ نامناسبی دریافت کرده است، آمرزش و رهیابی وی را از پروردگار طلب می‌کند.

حضرت ابراهیم (ع) امید دارد که در دعا و درخواستش از پروردگار ناامید و دست‌خالی نباشد: ﴿عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا﴾ (مریم: ۱۹/ ۴۸). «امیدوارم که در خواندن پروردگام ناامید نباشم». این جمله دلالت دارد که مؤمن در میانه امید (عسی) و بیم (شقی) است. امید به پروردگار و بیم از خویشتن خویش و از سوی دیگر، تعریض به بت‌پرستان است که نیازخواهی از بت‌های گنگ و لال با ناامیدی و شوربختی همراه است. در سوره ممتحنه، پس از وعده استغفار، جمله دیگری از ابراهیم نقل شده است: ﴿وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (ممتحنه: ۴/ ۶۰): «و در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم». باور توحیدی ابراهیمی بر آن استوار است که بنده همه خواسته‌اش را از پروردگارش بطلبد و خداوند به اراده مبتنی بر علم و قدرت و حکمت درخواست بنده را استجابت یا ردّ می‌کند. این سخن ابراهیم (ع) بر این دلالت دارد که خداوند شئون ربوبیت خویش؛ از جمله: مغفرت و استجابت دعا را به هیچ‌کس واگذار نکرده است و جز پروردگار هیچ‌کس در اینگونه شئون اختیاری ندارد. این تکمله‌ای بر وعده دعا از سوی ابراهیم است تا احتمال هرگونه تفویض و خودمختاری در بندگان را منتفی کند.

در آیه ۱۱۴ سوره توبه، استغفار ابراهیم برای آزر در زمانه‌ای شمرده شده که هنوز دشمنی وی با خداوند آشکار نشده است. علامه طباطبایی با توجه به آیات ۴۷ سوره مریم، ۱۱۴ سوره توبه و ۴۱ سوره ابراهیم، آزر را پدر حقیقی ابراهیم نمی‌داند؛ زیرا ابراهیم پیش از آنکه آزر را دشمن خداوند و کافر معاند تشخیص دهد، به وی وعده آمرزش خواهی داد و پس از اینکه این امر آشکار شد، دیگر برای آزر آمرزش نخواست؛ ولی در سالخوردگی برای خودش و پدر و مادرش و مؤمنان آمرزش می‌طلبد (ابراهیم: ۱۴/ ۴۱). این آمرزش خواهی ابراهیم برای «والدین» دلیل بر آن است که آزر، والد حقیقی ابراهیم نبوده است (طباطبایی، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ص ۴۰).

## ۵-۸- معرفی خداوند

حضرت ابراهیم به هنگام گفت‌وگوی خویش با آزر، خداوند را با چهار نام به آزر می‌شناساند: «رحمان»، «رَبِّ»، «حَفَى» و «الله»: ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ﴾ (مریم: ۱۹/۴۵): ﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا وَ أَعْتَزُّكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي﴾ (مریم: ۱۹/۴۷و۸).

«رحمان» نخستین جلوه خداوند است که بر دل آدمی آشکار می‌شود. مهربانی، گسترده‌ترین، عمیق‌ترین و پرتأثیرترین رابطه آفریدگار و آفریده است. دومین نام الهی در این گفتگو، «رَبِّ» است، مالکی که پرورش می‌دهد. «رَبِّ» نامی محوری در اسماء حسنا الهی است که همه افعال خداوند در سایه آن پدید می‌آید. «رَبِّ» است که می‌آفریند، روزی می‌دهد، مهربانی می‌کند، می‌بخشد و می‌آمرزد. در سخن حضرت ابراهیم (ع) نیز، طلب آموزش بر صفت ربوبیت تعلق گرفته است. سومین توصیفی که ابراهیم درباره خداوند بیان می‌کند، «حَفَى» است. این توصیف تنها در سوره مریم و در سخن حضرت ابراهیم (ع) آمده است. «حَفَى» در این آیه به معنای نیکوکار مهربان و یاری‌کننده است (راغب، ۱۳۹۲، ص ۲۴۶). در پایان، خداوند به نام اصلی خویش در فرهنگ توحیدی معرفی می‌شود که دلالت بر ذات جامع تمام کمالات دارد: «الله».

## ۵-۹- کناره‌گیری از بت و بت‌پرستان

آزر در آخرین گفته خویش از ابراهیم خواسته بود که مدتی با وی سخن نگوید و از او دوری کند. قرآن کریم در حکایت سخن آزر در سوره مریم از ماده «هَجَرَ» به معنای جدایی و قطع رابطه بهره می‌برد: ﴿وَأَهْجُرَنِي مَلِيًّا﴾ (مریم: ۱۹/۴۶).

حضرت ابراهیم (ع) در برابر این خواسته آزر، نه فقط از شخص او؛ بلکه از همه بت‌پرستان و بت‌ها کناره‌گیری می‌کند و در این سخنش از تعبیر «اعتزال» بهره می‌برد (مریم: ۱۹/۴۸) که بی‌گمان از «هجر» لطیف‌تر و به ادب نزدیک‌تر است (رک. راغب، ۱۳۹۲، ص ۵۶۴). این کناره‌گیری به معنای تنهایی و انفعال نیست، بلکه ابراهیم از بت و بت‌پرستان می‌بُرد تا بیش‌تر و پیش‌تر پروردگارش را بخواند و دریابد (ر.ک. طوسی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۳۱/طباطبایی، ۱۴۱۰، ج ۱۴، ص ۶۱).

با توجه به ویژگی‌های نُه‌گانه پیشین می‌توان الگوی رفتار ابراهیمی در جایگاه فرزند را چنین ترسیم کرد: بهره‌برداری از عواطف بشری، به ویژه، تأکید بر روابط خانوادگی هم‌زمان و متوازن با ارجاع به اندیشه‌ورزی و خردمحوری. در این الگوی رفتاری، هرچند حضرت ابراهیم با آزر در باور، کردار و گفتار مخالف است؛ ولی این مخالفت پدیده را به رابطه عاطفی- خانوادگی سرایت نمی‌دهد و همواره آزر را پدر و خود را خیرخواه وی می‌شمرد. در آخرین نقطه که آزر رابطه خویش با ابراهیم را قطع می‌کند و از سخن گفتن و هم‌نشینی با وی می‌گریزد، ابراهیم باز سلام و سلامتی وی را خواهان است.

از سویی، الگوی رفتاری حضرت ابراهیم (ع) در باب دعوت آزر به خداباوری در همه مراحل بر پایه سرشت پیراسته و خرد شکل می‌گیرد. طرح پرسش، نخستین گام برای اندیشه‌ورزی است. اصالت بخشیدن

به دانش، برهان عقلی مبتنی بر لزوم دفع ضرر محتمل و بازگشت به فطرت الهی، همه نتایج خردمحوری در رفتار حضرت ابراهیم (ع) با آزر است که گام به گام و تدریجی پیش روی آزر قرار داده می‌شود.

#### ۶- حضرت ابراهیم در مقام پدر

قرآن کریم رابطه ابراهیم (ع) با فرزندانش را در سه مقام گزارش می‌دهد: الف) هنگام قربانی کردن فرزند، ب) هنگام ساخت کعبه ج) در مقام دعا و درخواست. آیه ۱۰۳ سوره صافات خبر می‌دهد که ابراهیم (ع) فرزند نوس خویس را در پیشگاه خداوند به قربانی آورد. آیات ۱۳۲-۱۲۴ سوره بقره از ساخت کعبه به دست ابراهیم و فرزندش و برخی خواسته‌ها و دعا‌های ابراهیم گزارش می‌دهد. آیات ۴۱-۳۵ سوره ابراهیم نیز دعا، خواسته و وصیت‌های ابراهیم برای فرزندانش را حکایت می‌نماید. از مجموع این آیات می‌توان یازده ویژگی را استخراج کرد که الگوی ابراهیمی در رابطه پدر با فرزند را ترسیم می‌کند.

#### ۶-۱- همراهی در همه تلاش‌ها

چه بسا برخی پدران، فرزندانشان خویس را در میانه دشواری‌ها تنها بگذارند تا وی بکوشد، بر پای خویس بایستد و گلیم خویس به تنهایی از آب درآورد. اسماعیل و اسحاق در دوران سالخوردگی ابراهیم به دنیا آمده‌اند (ابراهیم: ۱۴ / ۳۹)، اما این تفاوت سنی مانع نمی‌شود که ابراهیم همواره «همراه» فرزندانش باشد. در نخستین گزارش از منش ابراهیم با فرزندش - حتی پیش از آنکه سخنان ابراهیم با فرزندش نقل شود - با این جمله روبرو هستیم: ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ﴾ (صافات: ۳۷ / ۱۰۲): «پس آنگاه که با وی به جایگاه سَعی رسید».

فرزند ابراهیم، نوجوانی خردمند و بردبار «غلامِ حلیم» است و ابراهیم همراه با وی برمی‌خیزد و گام برمی‌دارد و کوشش می‌کند. ابراهیم در سالخوردگی خویس چنان است که فرزند نوس وی با او همراه است. «بلغ معه السعی» بر این همراهی دوجانبه دلالت می‌کند و همراهی در همه «تلاش‌ها»؛ از پیاده‌روی و کوه‌پیمایی تا برآوردن نیازهای روزمره و تا بندگی خداوند. در همه تلاش‌ها این پدر با فرزند نوجوانش همراه است. این همراهی همواره ادامه دارد و پس از این نیز، در ساخت نخستین خانه یکتاپرستی، کعبه، جلوه‌گر می‌شود.

این همراهی پدر با فرزند است که از آنچه در علوم اجتماعی، «شکاف نسل‌ها» نامیده می‌شود، پیشگیری می‌کند. جدایی و شکافی که زمینه‌ساز تمرد فرزند نوجوان و جوان در برابر والدین خواهد بود (ر.ک. صادقی و مظاهری، ۱۳۸۶، ص ۴۷۲).

#### ۶-۲- تأکید بر رابطه پدر - فرزندی

ابراهیم در گفتگو با آن کس که در جایگاه پدر وی قرار داشت، چهار بار به مهربانی «با آبت» خطاب کرد. اینگونه خطاب را در گفتگوی ابراهیم با فرزندانش نیز شاهد هستیم. در سوره صافات پیش از آنکه

فرمان خداوند را برای فرزند بازگو کند با ندای «یا بُنَّیَّ» می‌خواند و در آیه ۱۳۲ سوره بقره، این خطاب و ندا را برای همه فرزندان به کار می‌برد.

«بُنَّیَّ» تصغیر «بَنِّیَّ» و در اینجا به معنا تحبیب و شفقت (دوستی داشتن و نرم‌خویی) است (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۲۳۸).

اینگونه خطاب ویژه فرزند موافق و فرمانبر نیست؛ بلکه نوح پیامبر، فرزند ناموافق و عصیانگر خویش را نیز همین‌گونه می‌خواند (هود: ۴۲/۱۱).

تأکید بر رابطه پدر-فرزندی، دل‌بستگی دوسویه والد و فرزند را موجب می‌شود؛ آنگونه دل‌بستگی که به فرزند احساس امنیت می‌دهد تا در کنار پدر، بیاموزد، باور کند و در بزرگسالی راه ایمان را پیش بگیرد (ر.ک. خوانین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲).

### ۶-۳- بیان دلیل و سرچشمه حکم

پدر، پیامبری سالخورده است و فرزند، نوجوانی نارس. پدر (پیامبر) می‌خواهد فرمان خداوند را به فرزند خویش ابلاغ کند. ممکن است بسیاری در چنین جایگاه و مقامی، تنها به بیان حکم شرعی اکتفا کنند که خداوند تو را به نماز و روزه فرمان داده و از چه و چه بازداشته است، ولی ابراهیم، نخست سرچشمه فرمان خداوند و به تعبیری، دلیل حکم را بیان می‌کند.

ابراهیم، پیامبر است و بیداری و رؤیای وی ظرف وحی الهی است. ابراهیم به فرزندش دلیل حکمی را که بناست به وی ابلاغ کند، پیشاپیش بیان می‌کند: ﴿إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ﴾ (صافات: ۳۷/۱۰۲): «من در خواب دیدم که تو را سر می‌برم».

سخن ابراهیم در این مقام نیز ظریفی را در بردارد. ابراهیم در آنچه دریافته است، هیچ شک و تردیدی ندارد. بنابراین، جمله‌ای اسمیه همراه با دو تأکید می‌آورد. نه در دیدنش تردید دارد و نه در آنچه دیده است. استفاده از فعل مضارع (أَرَى) در این سخن دلالت دارد که ابراهیم بیش از یکبار چنین در خواب می‌دیده است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۱۵۶).

### ۶-۴- بیان اصل حکم

ابراهیم در همراهی با فرزندش نخست سرچشمه و دلیل اثباتی حکم شرعی را بیان می‌کند و پس از آن، اصل حکم الهی را به صراحت تمام و بدون افزوده یا کاستی بیان می‌کند: ﴿أَنِّي أَذْبَحُكَ﴾ (صافات: ۳۷/۱۰۲).

ابراهیم پیغامبری امین است. آنچه از او و فرزندش خواسته شده را برای اسماعیل بازگو می‌کند. نه بنابر احتیاط آن را تشدید می‌کند و نه به تسامح می‌کاهدش. از این‌رو، بر هر کس که حکم خداوند را بیان می‌کند، واجب است که از پیش خود، در حکم نیفزاید و نکاهد و بر مکلفان هیچ بخش از حکم را نپوشاند که اگر چنین کند از سنت ابراهیمی برون رفته و از روش برخی از عالمان اهل کتاب پیروی کرده است.

## ۶-۵- مشورت با فرزند

ابراهیم(ع) در خواب فرمان گرفته است که فرزندش را قربانی کند. در آنچه دیده و دریافته یقین دارد و به فرمانبری برخاسته است، ولی همراهی ابراهیم با فرزندش تا آنجاست که در تشخیص، پذیرش و انجام فرمان خداوند، نظر فرزند نوجوان خویش را می‌طلبد: ﴿فَانظُرْ مَاذَا تَرَى﴾ (صافات: ۱۰۲): «پس بنگر که چه می‌اندیشی». ماده «نظر» گذشته از اینکه بر اندیشه و دید عقلی دلالت دارد، بر مهلت دادن نیز دلالت می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۵۶) همانگونه که در این آیه آمده است: ﴿وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ﴾ (بقره: ۲۸۰/۲): «اگر بدهکار تنگدست بود، پس مهلتی تا گشایش». بر این اساس، حضرت ابراهیم از فرزندش خواسته است که در مهلت مقتضی و فرصت لازم بیندیشد و رأی خویش را در انجام فرمان الهی بگوید.

زمخشری این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه ابراهیم در فرمان قطعی خداوند با فرزندش مشورت می‌کند؟ وی سه پاسخ ارائه می‌دهد:

- مشورت سنت و روش پیامبران است و حضرت ابراهیم چنین کرده است تا این سنت را پایه گذارد و تداوم بخشد؛

- ابراهیم امر الهی به ذبح را با فرزندش در میان می‌گذارد تا اسماعیل برای پذیرش فرمان آماده شود و در برابر این آمادگی و پذیرش پاداش الهی به دست آورد؛

- ابراهیم نظر اسماعیل را خواسته است که اگر وی این امتحان و ابتلاء را نمی‌پذیرد، وی را به پایداری و بردباری توصیه کند و اگر امتحان را پذیرفت، از سوی فرزند آسوده‌خاطر شود و به انجام فرمان خداوند برخیزد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۵۵).

ولی ابن‌عاشور در پاسخ این پرسش سخنی دیگر دارد. وی معتقد است که خداوند به حضرت ابراهیم چنین فرمانی نداده بود که به جبر و قهر اسماعیل را ذبح کند؛ بلکه وی مأمور شده بود که خود فرمان به ذبح را بپذیرد و این فرمان را به فرزندش برساند و انجام قربانی امری دوسویه بوده است. ابراهیم باید فرزندش را به قربانی بیاورد و اسماعیل نیز بپذیرد و گردن نهد و اگر اسماعیل نمی‌پذیرفت، همانند فرزند نوح می‌شد که بر پدر و پیامبرش عصیان کرد و افتخار همراهی با وی را از دست داد (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۳، ص ۶۵). به نظر می‌رسد، سخن ابن‌عاشور برتر و بهتر است؛ زیرا سنت خداوند چنین نیست که کسی - حتی پیامبر خدا - فرمان خداوند را بر دیگری تحمیل کند چنانکه می‌فرماید: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾ (غاشیه: ۸۸ / ۲۲-۲۱): «پس یادآوری کن، همانا تو تنها یادآوری، بر آن چیرگی نداری».

مشورت و نظرخواهی اصلی مهم در رفتار پدر با فرزند است و زمانه این مشورت آنگاه است که فرزند در اندیشه و کردار با پدر همراهی کند و در اموری است که فرزند در آن سهمی داشته باشد. پیامبر اکرم(ص) زمانه این نظرخواهی را در هفت سال سوم زندگی فرزند [۲۱ تا ۱۴ سالگی] می‌شمرد. فرزند تا

هفت سال [همچون] سرور، هفت سال دوم [همچون] بنده و هفت سال سوم [همچون] وزیر است (طبرانی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۷۰/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۵).

اسماعیل در برابر سخن پدر، پاسخی به کمال و تمام می‌دهد. در برابر «یا بُنَّی»، «یا أَبَت» گوید، رؤیای پدر را فرمان خداوند می‌شمرد و نظر خویش را بدون درنگ بیان می‌کند: ﴿يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ﴾ (صفات: ۱۰۲/۳۷) ادب و ایمان فرزند در آخرین سخنش آشکار می‌شود که بردباری خویش در برابر قربانی شدن را بر خواست خدا معلق می‌کند: ﴿سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ (همان): «به زودی مرا از بردباران خواهی یافت، اگر خداوند بخواهد».

#### ۶-۶- همراهی در تجربه‌های دینی

آیات ۱۲۴-۱۳۲ سوره بقره از ساخت کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل گزارش می‌دهد: ﴿وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾ (بقره: ۱۲۷/۲): «و آنگاه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا می‌بردند».

ابراهیم کعبه نخستین خانه یکتاپرستی را پایه نهاد و فرزندش اسماعیل نیز در این تجربه بزرگ و مهم دینی - تاریخی با وی مشارکت می‌کند. این همکاری و هم‌آوایی در مسجدالحرام نیز یادمان خویش را داشته است: مقام ابراهیم و حجر اسماعیل. نماز طواف واجب را باید پشت مقام ابراهیم به جای آورد و حجر اسماعیل محل گزاردن نماز مستحبی است. پس از ساخت کعبه، پدر و پسر از خداوند درخواست می‌کنند که مناسک ما را به ما بنمایان: ﴿أَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾ (بقره: ۱۲۸/۲). این همراهی و مشارکت تا پایان مناسک حج بیت‌الله تداوم دارد.

پس از ساخت کعبه و پایه‌گذاری مناسک حج، پاک و پیراسته نگاه‌داشتن خانه خداوند برای دیگر طائفان، رکوع و سجده‌کنندگان نیز، بر عهده ابراهیم و اسماعیل گذارده شده است: ﴿وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (بقره: ۱۲۵/۲): «و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و رکوع‌کنندگان سجده‌کننده پاکیزه کنید». در واقع در سرپرستی و مراقبت از خانه خداوند نیز، ابراهیم با فرزندش همراه است.

این همراهی در تجربه مشترک دینی والد و فرزند همینک مورد توجه پژوهشگران عرصه آموزش و تربیت دینی قرار گرفته است. اینگونه ارتباط و همراهی را اصلی‌ترین عامل تربیت دینی دانسته‌اند و آن را مهم‌ترین عامل حفظ ایمان و جهت‌گیری دینی دانسته‌اند (ر.ک. صادقی و مظاهری، ۱۳۸۶، ص ۴۷۳).

#### ۶-۷- تداوم توجه به امور دینی فرزندان

از آنجا که آدمی در این دنیا همواره در معرض آزمون و ابتلاء است، توجه حضرت ابراهیم (ع) به امور دینی فرزندان پایان نمی‌پذیرد و تا آخر عمر تداوم پیدا می‌کند. قرآن کریم این سنت ابراهیمی را به گونه‌ی وصیت به فرزندان حکایت می‌کند: ﴿وَ وَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ

الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿﴾ (بقره: ۲ / ۱۳۲): «و ابراهیم به پسرانش و به یعقوب سفارش کرد: ای فرزندانم! همانا خداوند شما را برگزیده است. پس، جز به حالتی که مسلمان باشید، از دنیا نروید».

این سنت در دودمان ابراهیم نیز تداوم دارد و نواده ابراهیم، یعقوب نیز، فرزندان را همین گونه وصیت می‌کند. ابن‌عاشور می‌نویسد: قرآن کریم، گفته یهودیان و مسیحیان را که همگان را به دین خود فرا می‌خوانند، نکوهش می‌کند. پیامبران بزرگ الهی همچون ابراهیم و یعقوب، فرزندان را وصیت می‌کردند که همواره پیرو و تسلیم «دین» باشند. این آیات را چون در کنار همدیگر لحاظ کنیم، بدین نتیجه دست پیدا می‌کنیم که آن «دین» که پیروی متداوم از آن، وصیت ابراهیم و ابراهیمیان است، آیین‌های رسمی یهود و مسیحیت نیست (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۷۳۰).

سخن ابن‌عاشور در تفسیر این آیات، یکی از ادله تفکیک میان دین و تدبیر (دین‌ورزی) است. دین، واحد و الهی و پیراسته و دادگر است و دین‌ورزی‌ها پرشمار، متخاصم، بشری و آلوده به ناراستی‌ها و انحرافات است. ابراهیم، فرزندان را به دین فرا می‌خواند؛ آن دینی که خداوند بدان رضایت داده و برگزیده است و او و فرزندان از دین‌ورزی‌های پسینی برکنار هستند.

ابراهیم به دودمان خویش نیز نظر دارد و در اندیشه آیین و اندیشمندی و پیراستگی آنان است. از این رو، از خداوند می‌خواهد که پس از وی، در دودمانش پیامبری برانگیزد که وحی را بر ایشان بخواند، کتاب و خردمندی به آنان بیاموزد و آنان را بپیراید: ﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾ (بقره: ۲ / ۱۲۹): «پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای اخودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند».

تداوم توجه و همراهی والدین با فرزندان از اصول پذیرفته‌شده فرزندپروری به شمار می‌آید. این اصل مورد تأکید پژوهشگران عرصه تعلیم، تربیت و مشاوره قرار گرفته است. این نحوه تداوم در همراهی، به سبب انطباق‌ها و سازگارهای پیوسته، پدیده‌ای پویا دانسته شده است (شکوهی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

#### ۶-۸- توجه به آسیب‌های مهم دینی

حضرت ابراهیم (ع) آسیب‌های دینی را می‌شناسد. همانگونه که برترین و محوری‌ترین آموزه دین ابراهیمی، توحید و یکتاپرستی است، شدیدترین آسیب نیز شرک و بت‌پرستی است. ابراهیم، بت‌پرستی در گونه‌های پرشمارش را مایه گمراهی همه مردمان و از جمله دودمان خود می‌داند و از پروردگار می‌خواهد که دودمانش را از بندگی بت‌ها به دور دارد: ﴿وَاجْتَنِبِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ (ابراهیم: ۱۴ / ۳۵).

ابراهیم آسیب بت‌پرستی را تنها متوجه به فرزندان خویش نمی‌داند؛ بلکه این آسیب را متوجه خود نیز می‌داند و از خداوند می‌خواهد که وی را، پیشتر از فرزندان، از بت‌پرستی به دور دارد. واحدی این روش را سنت همیشگی پیامبران می‌داند که از خداوند حُسن عاقبت می‌طلبیدند و از انحرافات و آسیب‌ها دوری می‌جستند (واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۹۱).

## ۶-۹- پیگیری امور زندگی فرزندان

ابراهیم در جایگاه پدر همچنان که همواره فرزندانش را به آیین راستین الهی فرا می‌خواند و از آسیب‌های دینی باز می‌دارد، به نیازها و خواسته‌های دنیوی و مادی آنان نیز توجه تام دارد. این توجه در قالب دو دعا در قرآن کریم گزارش شده است: ﴿وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَاٰزُوقًا اَهْلَهُ مِنَ الشَّمْرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَاٰلِیَوْمِ الْاٰخِرِ﴾ (بقره: ۱۲۶/۲): «و آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارم، اینجا را شهری با امنیت قرار ده و ساکنان آن را از محصولات روزی ده؛ آن کسان از ساکنانش را که به خداوند و روز واپسین ایمان دارد».

ابراهیم از پروردگار می‌طلبد که اقامتگاه فرزندش، اسماعیل را شهری آباد قرار دهد و می‌طلبد که ساکنان مؤمن آنجا را از همه بهره‌ها و دست‌آوردها روزی دهد. نکته قابل توجه آن است که ابراهیم دعای خویش را به دودمان مؤمن خویش اختصاص می‌دهد، اما درباره ناخداپوران نه دعا می‌کند و نه نفرین. ادامه آیه سخن خداوند است که کافران را به بهره‌مندی اندک دنیوی و عذاب دوزخ وعده می‌دهد.

## ۶-۱۰ دعا برای فرزند

در مجموع، آیاتی که در سه سوره بقره، ابراهیم و صافات از رابطه ابراهیم با فرزند و دودمانش گزارش می‌دهد، دوازده درخواست از پروردگار مهربان یافت می‌شود.

۱. درخواست مقام امامت برای دودمان (بقره: ۱۲۴/۲)؛

۲. درخواست آنکه شهر اقامتگاه فرزند و دودمانش، شهری امن باشد (بقره: ۱۲۶/۲؛ ابراهیم: ۱۴/۳۵)؛

۳. درخواست روزی و بهره‌مندی فراگیر برای دودمان مؤمن (بقره: ۱۲۶/۲، ابراهیم: ۳۷/۱۴)؛

۴. طلب پذیرش بنای کعبه از خویشان و فرزند (بقره: ۱۲۷/۲)؛

۵. درخواست اسلام و تسلیم در برابر خداوند برای فرزند و دودمان (بقره: ۱۲۸/۲)؛

۶. درخواست آموختن مناسک حج از پروردگار (بقره: ۱۲۸/۲)؛

۷. دعا برای بازگشت خداوند بر فرزندان و پذیرش توبه آنان (بقره: ۱۲۸/۲)؛

۸. درخواست از پروردگار برای برانگیختن پیامبری در دودمان ابراهیمی که آنان را وحی و خردمندی

بیاموزد و بپیراید (بقره: ۱۲۹/۲)؛

۹. دعا برای آنکه فرزندانش از بت و بت‌پرستی به دور مانند (ابراهیم: ۳۵/۱۴)؛

۱۰. دعای مغفرت و رحمت برای فرزندان نافرمان (ابراهیم: ۳۶/۱۴)؛ فخر رازی این دعا را به منزله

شفاعت حضرت ابراهیم(ع) در حق فرزندان گناهکار خویش می‌داند (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۱۰۵)؛

۱۱. درخواست توجه و مهرورزی قلبی مردمان به دودمان ابراهیمی (ابراهیم: ۳۷/۱۴)؛

۱۲. دعا برای آنکه دودمان ابراهیمی اقامه‌کنندگان نماز باشند (ابراهیم: ۴۰/۱۴).

این دعاها و درخواست‌ها نشانگر توجه فراگیر حضرت ابراهیم(ع) به فرزندان و دودمانش است.

حضرت ابراهیم(ع)، دین، دنیا، آخرت، سکونتگاه ایمن، معیشت، مناسک مذهبی و سعادت نهایی فرزند و



دودمانش را از پروردگار می‌طلبد. به علاوه، این آیات دلالت دارد که ابراهیم همراه با درخواست از پروردگار، خود نیز در مسیر تحقق این خواسته‌ها کوشیده است.

### ۶-۱۱- دودمان ابراهیم و برترین مقام

ابراهیم نه تنها از پیشرفت فرزندانش خشنود است؛ بلکه والاترین جایگاهی را که بدان دست یافته برای دودمانش آرزو می‌کند: ﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمٰمًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِیْ قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِیْنَ﴾ (بقره: ۱۲۴/۲): «و آنگاه که ابراهیم را پروردگارش به سخنانی آزمون کرد. پس، ابراهیم آن آزمون‌ها را به‌جا آورد. خداوند گفت: من تو را برای مردمان پیشوایی قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم؟ خداوند گفت: پیمانم به ستمکاران نمی‌رسد».

ابراهیم پس از آزمون‌هایی، از سوی خداوند «امام» مردمان قرار داده شد. بدون هیچ فاصله‌ای، ابراهیم می‌پرسد: و از دودمانم؟ در درون این پرسش یک تمنای بزرگ است که فرزندان ابراهیم نیز بدین جایگاه والا دست پیدا کنند. این پرسش از ژرفای مهر و دلبستگی و همراهی ابراهیم با فرزندانش خبر می‌دهد که خوش نمی‌دارد در هیچ مقام و جایگاهی تنها بماند و فرزندانش راه پیدا نکنند. حضرت ابراهیم(ع) با اظهار این آرزوی قلبی و طرح این پرسش، دودمان خویش را به دست‌یابی بدین مقام والا ترغیب می‌کند و البته، خداوند این درخواست را ناشایست نمی‌شمرد؛ بلکه با بیان شرط لازم مقام امامت، راه را به دودمان ابراهیم نشان می‌دهد که شما نیز اگر ستم نکنید، می‌توانید بر جای ابراهیم بنشینید و به مقام «امامت» نائل شوید.

با توجه به ویژگی‌های یازده‌گانه گفته شده، می‌توان الگوی رفتار ابراهیمی را در جایگاه پدر چنین ترسیم نمود: به رسمیت شناختن شخصیت فرزند و توجه همه‌جانبه و همواره به نیازهای وی. حضرت ابراهیم(ع) در دعوت به یک فرمان سنگین بار دینی، اندیشه و اختیار فرزند خویش را حرمت می‌نهد. امر خداوند را به صراحت و بدون پرده‌پوشی همراه با مستند آن، برای فرزند بیان می‌کند. با اینکه خود بدین امر باور دارد و آن را پذیرفته است، اما باور و تسلیم خویش را بر فرزند تحمیل نمی‌کند و اختیار وی را محترم می‌دارد. ابراهیم در مقام پدر همواره همراه با فرزند است؛ در نوجوانی و به هنگام نخستین آزمون، در برترین تجربه‌های دینی و پس از آنکه فرزند مستقل شده و خانواده‌ای تشکیل داده، در همه حال همراه فرزند است. این همراهی در سخن گفتن، هم‌نشینی، نظرخواهی، توجه به نیازها و دعا جلوه‌گر است.

### نتیجه‌گیری

برترین نمونه‌های رفتار دینی را می‌توان در سیره پیامبران اولوالعزم، به ویژه، حضرت ابراهیم(ع) یافت. آن حضرت، از سویی به عنوان فرزندخوانده، با کسی روبروست در برابر ابراهیم ایستاده است. ابراهیم(ع)، پرچم یکتاپرستی و آزر، بیریقت پرستی بر پا داشته‌اند. ابراهیم(ع) در عطفوت گشوده و دلسوز و خیرخواه آزر است، اما آزر جز به بی‌مهری و تهدید با ابراهیم سخن نمی‌گوید. گفت‌وشنود ابراهیم و آزر، برخورد فرزند مؤمن و پدرخوانده کافر است. در این گفت‌وگو، جمع میان دو حق است؛ «حق پروردگار» و «حق پدری». فرزند مؤمن باید چنان سخن گوید و بپرسد و پاسخ دهد که پدرخوانده‌اش حق و باطل را بشناسد،

از باطل دوری جوید و به حق بگراید و در همه این احوال، بزرگتری و پدری خویش را در خطر نبیند. از مجموع آیات قرآنی، به ویژه آیات سوره مریم، نه ویژگی در الگوی ابراهیمی فرزند - پدری یافت می‌شود. این ویژگی‌ها آمیخته‌ای از عطوفت، خردمندی، فطرت‌جویی و توکل بر خداوند است. ابراهیم مهر پدری را نشان می‌کند. با پرسش آغاز می‌کند که نخستین گام هر اندیشمندی است و در پی فطرت شنونده‌اش پیش می‌رود که از اهریمن و پیروی او برحذر ماند و سخن دانا و از سرِ دانش را گوش بسپرد. بر پایه خردمندی، آزر را از زیان دیدن برحذر می‌دارد که هر عاقلی از زیان، هرچند زیان احتمالی، دوری می‌کند. ابراهیم پس از این گام‌ها، خداوند را به پرودگاری، مهرورزی و پشتیبانی معرفی می‌کند و در برابر خشم و تهدید آزر، بر او سلام می‌فرستد. و آنگاه که در شنونده سخنش، تأثیری نمی‌یابد، از او کناره می‌گیرد و در مقام مناجات، از خداوند برای آزر آمرزش می‌طلبد. این الگوی کامل است. در این الگو، آغاز حرکت از مهرجویی و خیرخواهی است. پس از آن، توجه به دانش‌جویی و خردمندی است و در پایان، تأکید بر صلح‌طلبی و امیدواری است.

در بخش دوم، گفت‌و شنود ابراهیم در جایگاه پدر با فرزندانش، به ویژه، اسماعیل است. فرزندان ابراهیم، یارِ موافق و پیروی پدر و پیامبرشان هستند و پدر و پیامبر از سرِ فرمانروایی و سرکردگی با فرزند سخن نمی‌گویند. ابراهیم فرمان خداوند را به فرزند ابلاغ می‌کند. وی را به مهربانی و شفقت می‌خواند و دلیل و سرچشمه حکم الهی را بیان می‌کند و حکم الهی را بدون افزوده و کاستی، نه بر پایه تحمیل و اجبار؛ بلکه در شکل همراهی و مشورت به فرزندش ابلاغ می‌کند. ابراهیم همواره فرزندانش را در نظر دارد که بیابان‌شان مبدل به شهر شود و شهرشان امن شود و شهر امن‌شان پر بهره و ثمره گردد و خود می‌کوشد و از خداوند می‌خواهد که فرزندانش از بت و بت‌پرستی برکنار بمانند، نماز برپای دارند و به پیراستگی خانه خداوند برخیزند و تا به آنجا پیش روند که پیشوای مردمان باشند. الگوی رفتاری ابراهیم با فرزند را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد: «همراهی». ابراهیم فاصله زیاد سنتی خویش با فرزندش را نادیده می‌گیرد و همواره با فرزند همراه است. با وی به قربانگاه می‌رود، رأی وی را می‌جوید، با وی کعبه را بنا می‌نهد، با وی مناسک حج را می‌گزارد. همراه با فرزندان از بندگی بت‌ها برائت می‌جوید و بالاترین مقامی که از سوی خداوند دریافت کرده، امامت، را برای دودمانش می‌طلبد. این همراهی پدر با فرزند در گام به گام زندگی و سیر و سلوک معنوی، بزرگ‌ترین مشخصه الگوی ابراهیمی در رفتار پدر-فرزند است و یکی از جلوه‌های این همراهی، دل‌مشغولی همیشگی ابراهیم به فرزند و دودمان است که به صورت سیزده دعا و درخواست از پروردگار جلوه‌گر می‌شود. بی‌گمان، این منش، اسوه و نمونه برای همه مؤمنان است و طرحی کامل برای دعوت پدران و فرزندان به باور و فرمان دینی را ترسیم می‌کند.

## منابع و مأخذ

### -قرآن کریم؛

۱. ابن عاشور، محمد؛ *التحریر و التنویر*؛ تونس: الدار التونسية، ۱۹۸۴م.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس قزوینی؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق.
۳. ابن هشام، عبدالله بن یوسف؛ *معنی اللیب عن کتب الأعراب*؛ دمشق: دارالفکر، ۱۹۸۵م.
۴. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف؛ *البحر المحیط*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۵. بهجت پور، عبدالکریم؛ «سبک زندگی فاطمی»؛ سبک زندگی، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۰، ۱۳۹۴ش.
۶. ثعلبی نیشابوری، ابوالقاسم احمد؛ *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*؛ بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۲۲ق.
۷. خوانین زاده سریزدی، مرجان و اژه‌ای، جواد و مظاهری، محمدعلی؛ «مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌پذیری مذهبی درونی و بیرونی»؛ روان‌شناسی، شماره ۳، صص ۲۴۲-۲۲۷، ۱۳۸۴ش.
۸. داوودی، محمد؛ «چالش‌های ناظر به امکان منطقی تربیت دینی با تأکید بر دیدگاه هرست»؛ پژوهشنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹، صص ۱۴۷-۱۲۶، ۱۳۹۸ش.
۹. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*؛ بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۲۰ق.
۱۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ *مفردات غریب القرآن*؛ بیروت، دارالکتب العربیة، ۱۳۹۲ق.
۱۱. زمخشری، محمود؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*؛ بیروت: دارالکتب العربیة، ۱۴۰۷ق.
۱۲. شکوهی، محسن و پرند، اکرم و شهانپان، آمنه و اکبری، سعید؛ «تأثیر آموزش روش تربیتی مبتنی بر حل مسئله بر روش فرزندپروری و رفتارهای خشمگینانه والدین»؛ روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، شماره ۶، صص ۶۲-۴۵، ۱۳۹۰ش.
۱۳. شکوهی، محسن و پرند، اکرم و فقیهی، علی؛ «مطالعه تطبیقی سبک‌های فرزندپروری»؛ تربیت اسلامی، شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۱۵، ۱۳۸۵ش.
۱۴. صادقی، منصوره و مظاهری، علی؛ «کیفیت ارتباط والد - فرزند در تربیت دینی فرزندان»؛ خانواده‌پژوهی، شماره ۹، صص ۴۸۹-۴۷۱، ۱۳۸۶ش.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن بالقرآن*؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
۱۶. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ *المعجم الاوسط*؛ ریاض: مکتبة المعارف، ۱۴۰۷ق.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۰۵ق.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *العین*؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۹. قرشی، علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۲۰. قونوی، صدرالدین محمد؛ *اعجاز البیان فی تفسیر آتم القرآن*؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ش.
۲۱. کاکابرای، کیوان و مرادی، علیرضا؛ «آموزش حل مسئله خانواده‌محور به والدین و تأثیر آن بر ادراک کودک از والدین»؛ فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۲۹، صص ۱۸۵-۱۶۵، ۱۳۹۶ش.
۲۲. گنابادی، سلطان محمد؛ *بیان السعادة فی مقامات العبادة*؛ بیروت: منشورات الأعلمی، ۱۴۰۸ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الأنوار*؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۴. واحدی، علی بن احمد؛ *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۲۵. هندی، علاءالدین علی؛ *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.